

وزارت ارشاد و ممیزی کتاب؛

بسته‌اندیشی یا خلاقیت و نقد؟

نوشته دکتر پروین روحاوند

درباره هر زمینه‌ای آنطور که خود می‌اندیشد و می‌پسندد عمل کند. هر یک از ترس بازخواست دیگران بر آن بوده تا در منطقه فعالیت خود فضا را تنگ‌تر بسازد و بر قدرت بازدارندگی آن واحد بیفزاید. منکر این نیستم که در این سالها بعضی‌ها به این دستگاه آمدند که نه براساس ضابطه که براساس تصمیم و نظر فردی برای مدتی گشایش‌هایی در اینجا و آنجا ایجاد کردند.

در طول این سالها همیشه میان نویسندگان، روزنامه‌نگاران، فیلمسازان، ناشران، موسیقی‌دانها، نقاشان، مجسمه‌سازان، شاعران، هنرمندان نمایش و... با این وزارتخانه و مسئولان و مدیران واحدهای مختلف آن برخورد و کشمکش وجود داشته است. از یک سو دستگاه وزارت فرهنگ و ارشاد بر سانسور پا فشرده و از سوی دیگر این طیف گسترده در تلاش آن بوده که دست کم آنها را وادار سازد تا برای تحمیل نظریات خود ضابطه‌هایی روشن را تعیین و اعلام بدارد.

بنابراین مشاهده می‌کنید که دو جریان در برابر هم قرار داشته‌اند: آنهایی که در گستره فعالیت‌ها و آفرینش‌های فرهنگی و هنری قرار داشتند، می‌کوشیدند تا فضای بسته را بگشایند و آنهایی که خود را «قیم» مردم می‌دانستند بر آن بودند تا موضع خویش را تثبیت کنند. گاه به گاه نیز یورش به دفتر یک مجله، آتش زدن یک کتابخانه، بهم زدن یک برنامه موسیقی و ایجاد جنجال در موقع نشان دادن یک فیلم و مانند آن از سوی گروه‌های مشخص، بهانه‌ای بود برای بسته‌اندیشان تا بنام مردم بر موضع سختگیرانه خود پا بفشارند و کسانی را که معتقد به فشار و ایجاد تنگنای شدید نبودند هراسان کنند و از میدان بدر سازند.

اساس مطلب در اینجاست که آیا باید نگرش قیوم‌وار وزارت فرهنگ و ارشاد ادامه بیابد یا آنکه باید بتدریج تعدیل بگردد و بسوئی حرکت کند که از موضع امر و نهی و سانسور دور بشود و در موضع

حمایت‌کننده و یاری‌دهنده آفرینندگان آثار فرهنگی و هنری قرار بگیرد. در موضعی قرار بگیرد که بتواند فضای بازی در کشور پدید آورد و ساز و کارهایی را برگزیند که موجب باروری و پویایی فرهنگ ملی بگردد. قادر بر آن شود تا توان فرهنگی جامعه و قدرت تشخیص توده مردم را بالا ببرد و با پرورش استعدادها و فراهم آوردن فرصت‌های لازم موجبات بالندگی مطلوب را برای نسل جوان مهیا بسازد. با بهره جستن از اندیشمندان و چهره‌های توانای فرهنگی به کار نقد در بستری سالم رونق ببخشد تا بیاری آن سلامت و صلاحیت و جنبه‌های مثبت اخلاقی حرکت فرهنگی جامعه مصون بماند و هویت ملی فرهنگ ایرانی خدشه‌دار نگردد.

نه قالب‌ها خاص، نه لجام گسیختگی

این روزها با انتخاب وزیر جدید و ایجاد تغییر در مدیریت وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی آنچه که بیش از هر چیز توجه همگان، بویژه تحصیلکردگان و علاقه‌مندان به کتاب و افزون بر همه، نویسندگان و مترجمان را بخود جلب ساخته، موضوع سانسور کتاب است. از سالهای شصت به بعد سانسور کتاب به مشکل بزرگی تبدیل شده که ذهن همه افرادی را که با کتاب سر و کار دارند بخود مشغول داشته است.

در این شانزده سال کمتر ناشری را می‌توان یاد کرد که بدون دلهره دست بکار چاپ کتاب زده باشد. بسیاری از نویسندگان و مترجمانی که ماهها و سالها در رفت و آمد بوده‌اند تا بتوانند با بررسان کتاب به توافق برسند و با حذف فصل یا بخش‌هایی از فصل‌ها و جمله‌ها و حتی کلمه‌ها بتوانند اجازه انتشار بگیرند یا در نهایت ناکامی سرانجام کتابهایشان روانه کارخانه گردد تا خمیر شود.

کمتر نویسنده و مترجم و ناشری را می‌توان یاد کرد که از ماجراهای غم‌انگیز سانسور، زیر عنوان بررسی کتاب داستانهایی شنیدنی نداشته باشد. از اینکه می‌بایست جام شراب و ودکا را از دست یک روس و

اجتماعی

در نوشته پیش اشاره داشتیم که وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی گستره وسیعی را در برمی‌گیرد، و به اعتباری، تمامی زمینه‌های فعالیت‌های فرهنگی و هنری جامعه به حوزه این نهاد دولتی باز می‌گردد. من بیاد ندارم که در شرح وظایف چنین سازمان حساس و گسترده‌ای چه نوشته شده است، ولی می‌توان از عملکردی که تا کنون داشته چنین برداشت کرد که بنیانگذاران آن بر این بوده‌اند تا نقش متولی‌گری برایش قائل شوند. به عبارت دیگر بر آن بوده‌اند تا «قیمومت» فعالیت‌های فرهنگی جامعه را به او بسپارند و آن را در این گستره عظیم و مهم به عنوان «کارفرما» و تعیین‌کننده چهارچوب و حدود و ثغور اندیشه و آفرینش بشناسند. این اوست که می‌گوید چگونه ببندید، چگونه بنویسید، چگونه بگویند، چگونه باشید و چگونه به تصویر در بیاورید.

برخورد متولیان این دستگاه تا کنون چنین بوده که با دنیای پهناور پدیده‌های فرهنگ این سرزمین به گونه یک «کالای» ساده نگریسته‌اند و همانطور که هر سال وزارت بازرگانی برای ورود و خروج کالاهای مختلف و ممنوعیت ورود و صادر کردن برخی کالاها بخشنامه صادر می‌کند، آنها نیز بر آن بوده‌اند تا به همین نحو عمل کنند. با این تفاوت که چون بیشتریشان از حداقل‌های لازم برای شناخت این بهنه گسترده عاجز بوده‌اند، نمی‌توانستند ضابطه‌های مورد نظرشان را تنظیم و ابلاغ کنند؛ از اینرو هر واحدی در آن وزارتخانه و در آن واحد هر فردی بخود حق داده تا

فرنگی گرفت و استکان چای بدستش داد، تا قطع دست مردی که دست زنش را در دست داشته و خفه کردن صدای مرد شنگولی که در آخرهای شب در حال گذشتن از کوچه پس کوچه‌ها آواز کوچه باغی می‌خوانده و بسیاری دیگر.

تاکنون آیا یکبار هم شده که مقامهای مسئول وزارت فرهنگ و ارشاد از خود پیرسند برای بررسی کتابهایی که به وسیله عده‌ای از استادان و پژوهشگران و نویسندگان و مترجمان زبردست کشور

آفریده می‌شود چه کسانی صلاحیت دارند؟ چه تعداد از این بررسان از تحصیل و سواد و دانش لازم برخوردار بوده‌اند؟ اینکه گفته می‌شود به تعداد اشکالهای گرفته شده به بررسی دستمزد پرداخت می‌شود تا چه حد از درستی برخوردار است؟ نمی‌دانم، همینقدر هست که برخوردهای بی‌حساب و کتاب با کتابها چنین باورهای را برای جامعه بوجود آورده است.

از یاد نمی‌برم که شاید اولین دستوری که در وزارت فرهنگ و هنر بعد از گزیده شدن به مسئولیت از سوی من صادر شد آن بود که «اداره نگارش» مربوط به دوران پیش از انقلاب را منحل اعلام کردم. کمتر از ۲۴ ساعت تلفن‌های مکرر به من شد و از چپ و راست ابراز نگرانی کردند. به من می‌گفتند با انحلال این اداره که وظیفه‌اش بررسی و صدور مجوز کتاب بود چه وضعی پیش خواهد آمد؟ هر کس هر چه خواست نخواهد نوشت؟ آنوقت سنگ روی سنگ بند نخواهد شد. پاسخ من این بود که هیچ اعتقادی ندارم که هر کس به خود اجازه بدهد که با هر لحنی که می‌خواهد چیز بنویسد و به هر چیز و هر باور و هر فردی بتازد. ولی معتقدم که دستگاه وزارت فرهنگ و هنر سالتش فراهم ساختن بستری است برای هر چه پویا تر ساختن فعالیت‌های فرهنگی و هنری و کوشش باید بر این باشد تا امکانات لازم را در اختیار آفرینندگان آثار فرهنگی و هنری قرار بدهد و موجبات پرورش استعدادها را فراهم آورد. و این همه در بستری آزاد می‌تواند تحقق بیابد. از اینرو وزارت فرهنگ و هنر نمی‌تواند قالب‌های خاصی را ایجاد کند و به جامعه معرفی کند و بخواهد مردم در آن چارچوب و بر اساس آن الگوها بیندیشد و به خلق و آثار فرهنگی پردازند.

ولی می‌توان در دستگاه نخست‌وزیری یا ریاست جمهوری دفتری ایجاد کرد که حتماً زیر نظارت واحدهای امنیتی نباشد و وظیفه آن را بر عهده بگیرد که از بی‌بند و باریها و لجام‌گسیختگی‌ها با تعیین

اگر شرایط برای انجام نقد هوشمندانه فراهم شود، کمتر کسی جرأت خواهد کرد هر باطل و ناروایی را بر قلم آورد.

شنیدن دیدگاهها و تحلیل‌های نوین را پیدا کرد. باید اجازه داد تا اندیشمندان افق‌های تازه‌ای را بروی جامعه بگشایند و فضای برخوردار سالم دیدگاهها و اندیشه‌ها جایگزین بسته‌اندیشی و تنگ‌نظریها بگردد.

می‌دانیم که گذشته از کتابهای تحقیقی در زمینه‌های مختلف علوم انسانی و اجتماعی، مسائل سیاسی، تحلیل‌های اقتصادی و... که به دلیل طرح نظریه‌ها و دیدگاههای مختلف برسان با آنها برخورد

دارند، داستان و رمان نیز از زمینه‌هایی هستند که فراوان درباره سطر سطر آن حساسیت نشان داده می‌شود. یک وقت داستانی است که هر فرد منصفی که آن را بخواند درمی‌یابد که نویسنده بر آن بوده که اصل بی بند و باری را توجیه و به رواج آن در جامعه مدد برساند. این کاری است که باید با جرأت در برابر آن ایستاد و با آن برخورد کرد. اما اگر یک قلم توانا بتواند فساد را در قالبی هنرمندانه به تصویر بکشد و نافرجامی‌های آن را نشان بدهد، تأثیرگذار خواهد بود یا آنکه بصورت موعظه در یک کلام خشک بنویسد که دزدی بد است، فحشاء گناه است و چشم بد به ناموس مردم دوختن حرام.

اگر مسئولان وزارت فرهنگ و ارشاد بجای درگیر ساختن خود در زمینه کار بررسی و سانسور شرايطی پدید سازند که اهل قلم و جامعه فرهنگی کشور احساس کنند که کوشش این وزار تخانه بر آنست تا فضای باز و مطمئنی برای فعالیت‌های فرهنگی به وجود بیاید، اگر موجبات انجام نقد هوشمندانه در جامعه فراهم گردد، شک نکنید که کمتر کسی جرأت خواهد کرد تا هر باطل و ناروا و مطلب نابخردانه‌ای را به قلم آورد، زیرا می‌داند که جامعه اهل قلم و نقدکنندگان صاحب نظر با او برخوردی جانانه خواهند کرد.

شرایط کنونی ایجاب می‌کند تا وزارت فرهنگ و ارشاد همه تلاشش را بر این بگذارد تا رکود بازار کتاب را از میان ببرد. باید برای این «تیراژ» حقیر و شرم‌آور دوهزار تسانی در یک جامعه شصت میلیونی چاره‌اندیشی کند. باید یارانه دادن به انتشار کتابهای وابستگان به مراکز قدرت و شرکتهای انتشارات دولتی را تبدیل به تسهیلاتی کرد که هر ناشر و نویسنده و مترجمی که از توان علمی لازم برخوردار است از آن بهره‌مند شود، باید گرفتن مالیات از چاپ کتاب برداشته شود. آخر چگونه است که برای بالا بردن سطح دانش عمومی و تخصصی در کشور از نقش آفرینان آن مالیات گرفته شود.

ضوابطی روشن جلوگیری کند و با کسانی که بنام آزادی برآند تا آشفته بازار بوجود آورند برخورد قانونی کند و پرونده‌های مربوط را به دادگاه روانه سازد.

گفته می‌شود که مدیریت جدید وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی برآنست تا به کار بررسی کتاب پایان بخشد و با کتاب همچون روزنامه و مجله برخورد کند. به این اعتبار که نویسنده و ناشر خود مسئول کار خود باشند و بعد از انتشار کتاب چنانکه ابرادای از نظر دولت بر آن وارد بود به همان نحو که در مورد روزنامه و مجله عمل می‌شود اقدام کنند. به یک اعتبار در مقایسه با گذشته این شیوه مطلوب‌تری است، بشرط آنکه قصد بر این نباشد تا جو خود سانسوری بر جامعه سایه افکن شود. به عبارت دیگر با ترفیق بی‌دلیل چند کتاب و ناشر و نویسنده یا مترجم و به دادگاه کشانیدن آنها و تعیین جریمه‌های سنگین پولی، زندان و شلاق و مانند آنها، کاری کنند که هیچکس جرأت قلم‌گذاشتن بر روی کاغذ و چاپ هیچ اثری را پیدا نکند. آقای وزیر فرهنگ و ارشاد که خود اهل اندیشه و قلم هستند باید بپذیرند که اکثریت عظیم نویسندگان و مترجمان و ناشران این سرزمین را افرادی اندیشمند، معتقد به فرهنگ ملی و صدیق تشکیل می‌دهند و بر آن نبوده و نیستند تا به حیثیت و اعتبار قلم خدشه وارد سازند. آنها خود پاسداران توانای فرهنگ ملی بشمار می‌روند و به جرأت از شناخت و آگاهی بسیار وسیع‌تری از بررسانی که تا بحال جرأت نکرده‌اند نام و نشانشان را اعلان کنند، برخوردارند. ولی آنها معتقدند که باید به تجزیه و تحلیل مسائل پرداخت، نگرش نویسه مسائل داشت و یافته‌های تازه را مطرح کرد و استنباط خود را از مسائل با جامعه در میان گذارد. اگر قرار باشد در چارچوب نگرش‌های معین و بدون ذره‌ای تغییر و اظهار نظر سخن گفته شود. چگونه می‌توان جامعه فرهنگی را از رکود و ایستایی بیرون آورد و موجبات باروری و پویایی آن را فراهم ساخت. باید جرأت

باید این هزینه سنگین و کمر شکن را از دوش صادرات کتاب برداشت و شرایطی فراهم آورد تا سالیانه صدها هزار کتاب از کشور بیرون فرستاده شود. از یاد نبرید که گذشته از کشورهای فارسی زبان و کشورهای آشنا با زبان فارسی، هم اکنون بیش از سه میلیون ایرانی در خارج از کشور بسر می‌برند و علاقه‌مند آن هستند که دست کم

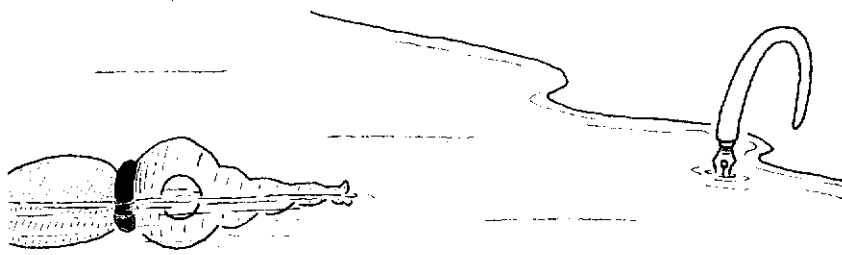
برای کودکان، نوجوانان، جوانان و دیگر گروه‌های سنی از ایران کتاب دریافت کنند، ولی هزینه بالای پست عامل بازدارنده‌ای برای فرستادن کتاب شده است. وزارت ارشاد باید کار گشایش و توسعه

کتابخانه‌ها را در سطح کشور به عنوان یک اقدام اساسی و بنیادین مورد توجه قرار دهد و از رقم هزار کتابخانه به نسبت فعال، آن را به چند هزار بالا ببرد. در آن صورت می‌توان به راحتی تیراژ کتاب را تا چند برابر افزایش داد و به یاری کتابخانه‌ها مردم را به کتاب

خواندن تشویق کرد. هم اکنون باید دست کم از هر کتابی که حرفی برای گفتن دارد بر کنار از توصیه و رفاقت‌بازی، هزار شماره برای کتابخانه‌های موجود از سوی این وزارتخانه خریداری شود تا ناشران جرأت چاپ خیلی از کتابها را پیدا کنند و قلم‌ها و استعداد‌های جوان مجال حضور در عرصه فرهنگی کشور را بیابند.

سخن در این باره و

زمینه‌های دیگر چون سینما، موسیقی، نمایش، هنرهای تجسمی و غیره بسیار است، امید که در فرصتی دیگر در آن باره با مردم فرهنگ دوست ایران سخن بگویم.



«توصیه‌های بهداشتی»

با بکار بستن توصیه‌های ساده زیر زمینه ابتلا به بیماری‌های قلبی را کاهش و سلامتی خود را تضمین کنید:

- عدم استعمال دخانیات
- افزایش فعالیت‌های بدنی و ورزش
- کاهش فشارهای عصبی
- تغذیه مناسب
- کنترل فشار خون

کاهش استفاده از چربی‌های حیوانی
افزایش مصرف سبزیجات و مواد گیاهی

شرکت ایران بهداشت

عرضه‌کننده کاملترین مجموعه تجهیزات و وسایل درمان بیماری‌های قلب و عروق

نشانی: تهران - خیابان طالقانی غربی - چهارراه فریمان شماره ۱۲۲

تلفن: ۴-۶۴۶۷۱۸۱ فاکس: ۶۴۰۲۹۵۶